

رویکردهای فقهی و قانونی در مجازات قتل فرزند توسط والدین

سید اسدالله موسوی نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

چکیده

بر مبنای فقه اسلامی و قانون مجازات، مجازات اولیه قتل عمدی، قصاص است. ولی اگر قاتل پدر باشد، حکم متفاوت است. با تحقیق در منابع فقهی نسبت به قتل فرزند توسط پدر در مجموع، سه نظریه عدم قصاص، قصاص و قول به تفصیل (اگر قتل با شمشیر باشد قصاص واجب نیست، اما اگر با ذبح و یا شق شکم انجام شده باشد، پدر قاتل قصاص می‌شود) وجود دارد. یک پرسش این است که آیا ادله عدم قتل پدر، اختصاص به پدر دارد یا مادر را نیز شامل می‌شود؟ نظرات مختلفی در این مسئله وجود دارد و بیشتر فقها قابل به قصاص هستند؛ اما به نظر می‌رسد حق با قول به عدم جواز قصاص مادر باشد. قوانین مجازات در این مسئله ساکت است. پرسش دیگر این است که آیا عدم جواز قصاص پدر و مادر، بنا بر قولی، مخصوص به حد قصاص است و یا حد قذف را نیز شامل می‌شود؟ در این مسئله، دو نظریه بیان شده است و بیشتر فقها، قایل به عدم اعمال حد قذف هستند. با توجه به دلایل روایی و نظرات بسیاری از علما، آنچه مورد تأیید نویسنده این مقاله قرار گرفته است، عدم جواز قصاص پدر و مادر در قتل فرزند می‌باشد و تفاوتی در حد قتل و قذف وجود ندارد. در این پژوهش که توصیفی و تحلیلی می‌باشد تلاش شده است نظرات دانشمندان فریقین بیان شود.

واژگان کلیدی: اشتراک در فرزندکشی، تفاوت حد قتل با قذف، فرزندکشی، فقه، قوانین مجازات.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ مذاهب اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار (ع) و دکتری فقه از جامعه المصطفی العالمیه. arizaizy@yahoo.com

مقدمه

با توجه به عمومات آیات و روایات، مجازات ارتکاب جرایم علیه افراد؛ اعم از جنایت بر نفس یا جنایت بر عضو، قصاص است. این نظریه را بسیاری از قانون‌گذاران قوانین مجازات کشورهای اسلامی در قانون درج نموده‌اند.

این عمومات قرآنی و روایی در برخی از موارد با روایات صحیحیه در تعارض است و قانون اولیه در باب تعارض، جمع عرفی می‌باشد. بر اساس قواعد پذیرفته شده نزد عرف، در جمع عرفی، یکی از دو دلیل بیان شده، قرینه برای بیان متکلم است؛ مثلاً اگر عام با خاص تعارض ظاهری داشته باشند، تعارض ظاهری با تقدّم خاص بر عام برطرف می‌شود.

در مورد بحث اگرچه عمومات قصاص شامل پدر نیز هست، اما ادله خاص با آن عمومات در تعارض بوده است. بنابراین عام مورد خاص را که قصاص پدر باشد را شامل نمی‌شود؛ اما این دلیل خاص فقط قصاص پدر را از عموم خاص می‌کند و مجازات دیگر، مانند دیه، محروم بودن از ارث و عدم ولایت را شامل نمی‌شود. علاوه بر اینکه خاص شامل غیر از پدر، باقی نزدیکان نمی‌شود. پس اگر مادر، فرزندش را به قتل رساند قصاص می‌شود، اگرچه بسیاری از علماء فریقین، قایل به عدم تخصیص پدر از عمومات هستند و نیز برخی مادر را نیز شامل این خاص می‌دانند.

بنابراین در این پژوهش، با توجه به اختلاف فریقین در برخی موارد و مخالف بودن برخی قوانین با نظرات علماء، به روش توصیفی - تحلیلی، رویکردهای فقهی و قانونی در مجازات قتل فرزند توسط والدین بررسی می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش در مسئله قتل ولد توسط والد را می‌توان در چند بخش تقسیم نمود: کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها.

۱-۱. کتب: تألیف شده در این موضوع، عبارت است از *المبسوط و خلاف*

شیخ طوسی در باب قصاص؛ شرایع، مبانی، تحریر محقق حلی، محقق خویی و مرحوم امام و کتب فقهی دیگر. در اکثریت کتب فقهی فقط نظرات علمای شیعه بیان شده است غیر از خلاف شیخ طوسی و برخی کتب دیگر.

منابع اهل سنت عبارت است از: *المبسوط* سرخسی حنفی، *المجموع نووی* شافعی، *المغنی ابن قدامه* حنبلی، *المدونیه* مالک.

۱-۲. **مقالات:** در این موضوع، مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده و در مجلات علمی انتشار پیدا کرده است؛ مانند:

- «بررسی فقهی و حقوقی قتل عمد فرزند توسط پدر»، نویسنده: پور سعید رامین، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۱-۳۰.

- «مجازات پدر در قتل فرزند» نویسنده: ایزدی فرد، علی اکبر محسنی، مجله مبانی فقهی حقوقی اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۷، صفحه ۱۱۳-۱۲۸.

- «بررسی فقهی و حقوقی جرم فرزند کشی در حقوق ایران» نویسنده دانش خواه، اعظم السادات، مجله راه وکالت، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، سال دوم، شماره ۴، صفحه ۲۹ تا ۴۲.

همان طور که روشن است تمام این مقالات به نظرات علما و روایات موجود در کتب فقهی شیعه پرداخته اند و نظرات علمای اهل سنت مورد توجه قرار نگرفته است.

۲. عوامل قتل فرزند توسط پدر

با توجه به تحقیق میدانی و بررسی اعترافات قاتل در قتل فرزند، عوامل گوناگونی در این جنایت دخالت دارد:

۱-۲. بیماری روحی و روانی

از عواملی که سبب می شود انسان، فرزند و ثمره زندگی خود را بی رحمانه به قتل رسانده و حتی بدنش را مثله کند، شرایط بحرانی روحی و روانی است. منشأ این بحران، معمولاً مشکلات و ابتلاء انسان به امراض خفیه و بدون درد روانی یا تحریکات ناشی از توهمات و خیال پردازی ذهنی است که اگر در روح و روان آدم

حلول کند، اختیار از آدم سلب شده و به قتل نزدیک‌ترین افراد خانواده‌اش اقدام می‌کند. قتل یاشار توسط مادرش در تبریز ایران، دلیلش خیالات و اوهام اعتیاد داشتن فرزندش یاشار بوده است. (خبرگزاری ایمان، ۹ خرداد ۱۴۰۰، کد خبر: ۴۹۷۳۹۳)

۲-۲. مشکلات اقتصادی

از عوامل تأثیرپذیر در قتل فرزند، مشکلات اقتصادی و معیشتی می‌باشد. والدین بعد از تلاش‌های غیر مثمر در تهیه لوازم زندگی عائله، ناامیدی از تأمین حداقلِ ضروریات زندگی، شرمندگی افراد تحت تکفل می‌شوند و راه درمان را فقط در دو چیز می‌بینند: خودکشی و فرزندکشی؛ چرا که فکر می‌کنند با کشتن فرزندان یا فرزند، سبک‌بال و راحت شده و دیگر مجبور نمی‌شوند برای به‌دست‌آوردن پول و یا شغل بهتر سر در نزد انسان‌های دیگر فرو ببرد و یا شرمندگی فرزندان شود. قتل دو کودک خراسانی شمالی شهر اسفراین توسط مادر که معاون اجتماعی فرمانده انتظامی خراسان شمالی روز پنج‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ خبر دستگیری این مادر را داد، علتش نابسامانی اقتصادی بوده است. (خبرگزاری تحلیلی ایران، کد خبر: ۱۵۱۷۰۱۹)

۲-۳. وضعیت نامناسب خانوادگی

عدم تعامل فکری بین فرزند بزرگ‌شده در محیط باز بی‌حد و حصر و پدری که در محیط نسبتاً بسته‌ای بزرگ‌شده، که پدر حرف اوّل را در خانواده می‌زند و فرمان‌روایی مطلق دارد. مخالفت فرزند، در مقابل حرکات پدر، سبب بد اخلاقی‌ها و در نتیجه، قتل فرزند توسط پدر یا قتل پدر توسط فرزند می‌شود. قتل بابک خرمدین، مردی ۴۷ ساله، دانش‌آموخته سینما که چند آثار مستند از او به‌جا مانده است، علتش عدم تعامل با پدر و مادر است. (دنیای اقتصاد، شماره روزنامه: ۵۲۰۱)

۳. قصاص یا عدم قصاص پدر در قتل فرزند

قتل فرزند توسط پدر از چند حالت خارج نیست:

الف) قتل از نوع عمد است؛ یعنی با اراده و اختیار فارغ از هرگونه اشتباه در قصد و اراده اقدام به قتل فرزند نموده است.

ب) قصد عمل و بدون قصد نتیجه؛ پدر اگرچه اراده در ضرب داشته، اما به دلیل تأدیب بوده که منجر به قتل می‌شود. (شبه عمد)

ج) عدم قصد فعل و نتیجه؛ پدر علاوه بر عدم قصد نتیجه، قصد فعل حاصل از عمل را نیز نکرده است. (خطأ محض)

در این تحقیق از دو مورد آخر که قتل شبیه عمد و خطأ محض می‌باشد بحث نشده است؛ بلکه بحث در مورد اوّل متمرکز است، یعنی مواردی که پدر عمداً در حال اختیار و اراده، فرزندش را به قتل رسانده است. برای روشن شدن مسئله، نظرات علمای فریقین را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱. دیدگاه شیعه

آرای دانشمندان شیعه در قصاص یا عدم قصاص پدر در قتل فرزند با فرض عمد در قتل، متفاوت است:

۳-۱-۱. نظریه عدم قصاص پدر

بیشتر دانشمندان غیر از افراد بسیار کمی از معاصران به اتفاق معتقدند: اگر ولد توسط والد به قتل برسد، بعد از اثبات این نسبت، والد قصاص نمی‌شود. البته به صرف ادعا، نسبت ابویت پذیرفته نیست، بلکه بر قاضی و حاکم پرونده لازم است از مدعی بخواهد تا نسبت ادعا شده را به اثبات برساند. در مورد بحث، طریق برای اثبات مدعا فقط شاهد می‌باشد و اقرار مدعا را اثبات نمی‌کند؛ زیرا اقرار بر ضرر مقرر حجت است نه اقرار بر نفع. شاهد نیز باید بر تحقق زوجیت، بین قاتل و مادر فرزند مقتول شهادت داده و تولد فرزند را در فراش تأیید کند. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۲/۲۸۴)

شیخ طوسی علاوه بر عدم قصاص والد قاتل در قتل ولد، قایل به عدم قتل جد، جدِ جد و... در مقابل قتل ولد است، بدون تفاوت بین انواع قتل و وسائل قتاله، یعنی به هر وسیله ولد را به قتل رسانده باشد و نوع قتل و وسیله قتاله، در عدم قصاص تأثیر ندارد. دلیل بر این مسئله را اجماع می‌داند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۵/۱۵۱)

از اطلاق بیان شیخ طوسی علاوه بر عدم قصاص، عدم وجوب دیه و تعزیر نیز

استفاده می‌شود. اگر چنین مفهوم‌گیری از کلمات شیخ درست باشد، مطلب ایشان مخالف با کلیت قاعده ضمان است، چرا که طبق قاعده ضمان، انسان مکلف، ضامن اعمالش می‌باشد، مگر مواردی که استثنا شده است که نسبت به پدر، فقط قصاص استثنا شده و دلیل بر عدم اثبات دیه وجود ندارد.

علامه حلی یکی از شروط قصاص را عدم نسبت فرزند و پدری قاتل با مقتول می‌داند، یعنی چنانچه در قاتل عقل، بلوغ و... شرط است، عدم ابویت نیز شرط می‌باشد؛ اما ایشان قایل به وجود دیه و تعزیر بر قاتل بوده و معتقد است قاتل به دلیل خاص اگرچه قصاص نمی‌شود، ولی پرداخت دیه و تعزیر بر او مستقر است. (علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۹۶) حق با نظریه علامه نسبت به دیه می‌باشد؛ اما اینکه تعزیر نیز واجب است یا نه، فارغ از تأدبیات حکومتی، دلیل برای آن وجود ندارد؛ چرا که چون تعزیر در صورت است که برای جانی در شرع حد معین موجود نباشد؛ اما در قتل حد معین وجود داشته و پدر استثنا شده است. در ضمن، تعزیر بدل از قصاص نیز نمی‌باشد تا مدعا را اثبات کند.

محقق خویی و امام خمینی نیز عدم نسبت را شرط قصاص دانسته و این مسئله را اجماعی می‌دانند. (خویی، ۱۴۲۲ق: ۸۶/۲۴؛ خمینی، بی‌تا: ۵۲۱/۲)

دلایل این نظریه علاوه بر اجماع که ضمن نظرات دانشمندان بیان شد، روایت بیان‌شده در منابع می‌باشد. در صحیح حلی از امام صادق علیه السلام درباره قصاص مردی سؤال می‌شود که ولد خود را به قتل رسانده است. حضرت در جواب می‌فرماید: این مرد قصاص نمی‌شود. (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۷۷/۲۹، ب ۳۲، ح ۲) در روایت فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «لا یقاد والد بولده...» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۳۴۹/۱۴) پدر در مقابل فرزند قصاص ندارد. در روایت معتبره اسحاق بن عمار امام باقر علیه السلام از پدرش نقل کرده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «لا یقتل والد بولده إذا قتله» یعنی والد در هیچ صورت توسط ولد کشته نمی‌شود. (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۷۷/۲۹، ب ۳۲، ح ۸) صحیح حمران از امام باقر یا امام صادق علیه السلام وارد شده است: «لا یقاد والد بولده اذا قتل والده عمدا» حکم پدر در قتل فرزند قصاص نیست، اگرچه قتل از نوع عمد باشد. (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۷۷/۲۹، ب ۲۳، ح ۱)

۳-۱-۲. نظریه قصاص پدر

برخی از علمای معاصر برخلاف بیشتر علما، قصاص پدر را اگر قتل از نوع عمد باشد داخل کلیات قصاص می‌دانند و در این مورد، قایل به استثنا نیستند. آنها نسبت به روایاتی که تصریح به عدم جواز قتل پدر دارند، می‌گویند: «روایات بیان شده برای عدم جواز قتل پدر، منحصر به قتل عاطفی در قبال تخلف فرزند از نصایح پدر می‌باشد.» (صانعی، ۱۳۸۶ش: ۲۲) البته این انحصار با توجه به تصریح و اطلاق روایات فوق، قابل پذیرش نیست. در هیچ یک از روایات اشاره به قتل عاطفی نشده است و کسی از عالمان با ایشان در این مسئله موافق نیستند و در واقع نظریه ایشان، برخلاف اجماع است و نیز اگر کلیت قصاص شامل پدر قاتل نیز می‌شود، برای اثبات مدعا دلیل خاص که تصریح داشته و بر روایات مخالف ترجیح داشته باشد، لازم است. با توجه به اینکه قتل عاطفی از موضوع بحث خارج است، چون بحث در قتل عمد است و قتل عاطفی از خانواده غیر عمد است.

۳-۲. دیدگاه اهل سنت

آرای دانشمندان اهل سنت نیز در این مسئله متفاوت است:

۳-۲-۱. نظریه عدم قصاص پدر

بیشتر علما مانند ابوحنیفه شافعی، احمد، ثوری، اوزاعی و... قایل به عدم قصاص والد در قتل ولد هستند. نووی شافعی بیان می‌کند: والد به سبب قتل ولد قصاص نمی‌شود، چون در مسئله اجماع ثابت بوده و خلاف وجود ندارد. (النووی، بی‌تا: ۳۶۳/۱۸) سرخسی حنفی علاوه بر عدم قصاص پدر، جد، جدِ حد و... را نیز در لیست مستثنیات از عموم قصاص اضافه کرده است. ایشان در قتل فرزند توسط مادر این حکم را تأیید نموده و مسئله را مانند نووی اجماعی می‌دانند. در المبسوط آمده است: «وَلَا قِصَاصَ عَلَى الْأَبَوَيْنِ» یعنی به صورت مطلق والدین در جرم قتل اولاد قصاص نمی‌شود. (سرخسی، ۱۴۱۴ق: ۹۰/۲۶)

۳-۲-۲. نظریه قصاص پدر

عده‌ای از عالمان اهل سنت مانند ابن نافع، ابن عبد الحکم و ابن منذر، قایل به قصاص والد در قتل ولد هستند. طرفداران این نظریه هیچ موردی را از کلیت قصاص در قتل عمد مستثنا ندانسته و معتقدند: با توجه به ظاهر آیه و روایت قصاص در قتل عمد و محقق بودن شروط و اهلیت قاتل، قصاص جانی، واجب است، این فرایند در هر شخصی باشد، آیات و روایات او را پوشش می‌دهد، فرق بین پدر و اجنبی نیست، یعنی اطلاق آیات و روایات قصاص شامل پدر قاتل نیز می‌شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ۳۳۹/۹)

بطلان این نظریه ظاهر است، چون به اتفاق علمای فریقین روایت قدرت تحصیص عموم آیات و روایات را دارد. در این مسئله، روایت بسیاری در منابع اهل سنت موجود است که تصریح بر عدم قصاص دارند. با وجود این نوع روایت در منابع فریقین دلیل بر عمومیت حکم قصاص باقی نمی‌ماند.

۳-۲-۳. نظریه تفصیل

برخی از علمای اهل سنت مانند مالک و عثمان بنی قایل به تفصیل هستند، یعنی اگر قتل با سیف باشد قصاص واجب نیست، اما اگر با ذبح و یا شق بطن انجام شده باشد والد قصاص می‌شود. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
به اعتقاد این گروه وجوب قصاص به دلیل تغلیظ در جنایت است، نه به جهت قتل پسر، همان‌طور که در قتل خطا و شبه عمد به جهت عدم تغلیظ قصاص صورت نمی‌گیرد، در قتل عمد به دلیل تغلیظ در جنایت قصاص صورت می‌گیرد. در مورد جنایت واقع شده توسط والد با فرایندی که بیان شد، شدت غلظتش از قتل عمد اجنبی نیز بالاتر است، زیرا در قتل ولد توسط والد، آثار چون قتل به غیر حق، قطع صله رحم، وحشت و بی رحمی به بالاترین مرتبه، به جنایت قتل عمد ضمیمه شده است، پس قصاص والد در قتل ولد به دلیل غلظتش نسبت به اجنبی در اولویت است، مانند تجاوز به محارم در مقابل تجاوز به غیر محارم. اما اگر قتل با

رمی و سیف باشد، قصاص نمی‌شود، زیرا شبهه خطأ و قصد تأدیب متصور است، برخلاف ذبح، مثله و پاره کردن شکم. (سرخسی، ۱۴۱۴ق: ۹۰/۲۶؛ النووی، بی‌تا: ۳۶۳/۱۸)

به نظر می‌رسد این نظریه بدون دلیل باشد، چون تنها دلیل بر قصاص والد، نوع قتل و خشونت است، بدون تردید خشونت یا بی رحمی در قتل، نهایت تأثیرش در شدت مجازات می‌باشد و سبب تبدیل یا تغییر مجازات نمی‌شود. در مسئله به اتفاق حتی بر مبنای مالک در صورت قتل معمولی، پدر قصاص نمی‌شود، اینکه خشونت مجازات را تغییر دهد دلیل وجود ندارد.

۴. مستندات حکم برای عدم قصاص

برای اثبات نظریه عدم جواز قصاص پدر دلایل بسیاری در منابع اهل سنت بیان شده است.

۴-۱. اجماع

از دلایل که علمای اهل سنت برای تأیید حکم استفاده نموده‌اند اجماع است، ابن قدامه حنبلی سرخسی شافعی تصریح دارند به اجماعی بودن، عدم جواز قصاص پدر. (سرخسی، ۱۴۱۴ق: ۹۰/۲۶؛ النووی، بی‌تا: ۳۶۳/۱۸) (سرخسی، ۱۴۱۴ق: ۹۰/۲۶ - النووی بی‌تا: ۳۶۳/۱۸)

۴-۲. روایات

در مسئله روایات بسیاری بیان شده است: از رسول مکرّم ﷺ که می‌فرماید: «لا یقتل والد بولده» یعنی والد در قتل ولد قصاص نمی‌شود. (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق: ۴۹/۱؛ دارقطنی، ۱۳۸۶: ۱۴۱/۳؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰ق: ۸۸۸/۲) در روایت دیگر نیز آمده است: «لا تقام الحدود فی المساجد ولا یقتل والد بولده» (ترمذی، بی‌تا: ۱۹/۴، ح ۱۴۰؛ دارمی، ۱۴۰۷ق: ۱۹۰/۲)

همانگونه که قصاص در مسجد اجرا نمی‌شود، والد نیز در قتل ولد محاکمه ندارد، یعنی همانطوری که نسبت به قصاص در مسجد اجماع وجود داشته و تردیدی نیست، در قصاص والد به قتل ولد نیز تردید وجود ندارد.

۳-۴. قاعده احسان

از دلایل بیان شده برای عدم جواز قتل پدر قاعده احسان می‌باشد. کسانی حنفی عدم قصاص پدر را احسان و قتل او را منافی با احسان دانسته است، ایشان بر تأیید نظریه‌اش به آیه ۱۵۱ انعام ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ تمسک می‌کند. (کسانی، ۱۴۰۶ق: ۱۵/۱۱۹)

۴-۴. قاعده درء و نسبت ملکیت

ابن قدامه که از فائیلین به عدم جواز قصاص پدر هست، با تمسک به روایت رسول اکرم ﷺ «أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ» یعنی تو مال برای پدرت می‌باشی، معتقد است: اگر بگویم مراد از حدیث، نسبت ملکیت حقیقی نیست، حداقل شبهه در اجرای قصاص به وجود می‌آید، «لِأَنَّهُ يُدْرَأُ بِالشُّبُهَاتِ» قصاص در صورت شبهه انجام نمی‌شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ۳۶۰/۹) سرخسی با نگاه به روایت می‌گوید: نسبت ملکیت فرزند به پدر، بیانگر مملوکیست فرزند است، اثبات مالکیت و مملوکیست مانع از اجرای قصاص می‌شود، مبنای ایشان در این مسئله قیاس است، یعنی همانطور که در اجنبی، از شروط قصاص، حریت مقتول است، اگر مقتول عبد مملوک و مال باشد، قاتل قصاص نمی‌شود، در ملکیت ظاهری نیز این حکم جاری است، پس فرزند در مقابل پدر، مقام مالیت را داشته و نتیجه قتلش قصاص نیست. (سرخسی، ۱۴۱۴ق: ۹۱/۲۶)

با توجه به اجماع و روایات در منابع اهل سنت، فقط قتل پدر از قاعده کلی قصاص استثنا شده و شامل مادر نمی‌شود، در روایت کلمه والد آمده است، والد در لسان عرب به پدر اطلاق می‌شود، در لغت نیز به پدر والد گفته می‌شود و شامل مادر نیست. اجماع نیز نسبت به پدر ثابت است، بنابراین ادعای سرخسی و نووی در شمول مادر دلیل ندارد.

۵-۴. قوانین مجازات سلامی

طبق قانون مجازات اسلامی قاتل که ادعا می‌کند، پدر مقتول است، باید نسبت پدری

را در دادگاه اثبات کند، صرف ادعا کفایت نمی‌کند. اگر مدعی نتواند نسبت را اثبات کند، سوگند ولی دم برای قصاص قاتل کفایت می‌کند. در ماده ۳۰۹ قانون مجازات اسلامی آمده است: «این ادعاء که مرتکب، پدر یا یکی از اجداد پدری مجنی علیه است، باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات، حق قصاص، حسب مورد، با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او ثابت می‌شود.» در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مجازات پدر قاتل را پرداخت دیه و تعزیر می‌داند، یعنی اینکه پدر بر مبنای قانون مجازات قصاص نمی‌شود. در قانون آمده است: (پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد) این ماده از قانون مخالف با مفهوم نظریه شیخ طوسی و موافق با نظریه اکثریت از علمای مانند محقق خویی و امام خمینی و... هست که تفصیل آن گذشت.

۵. شراکت با والد و در قتل ولد

بر مبنای شرع اسلامی در جنایت قتل ولد والد قصاص نمی‌شود، اما اگر اجنبی با والد مقتول در قتل ولد شریک باشد، حکمش چیست؟ آیا او نیز چون شریک پدر مقتول است، احکام او را دارد، یا مقررات اجنبی بر او اعمال می‌شود؟ نظرات متفاوت وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۵-۱. دیدگاه شیعه

به اتفاق علمای شیعه، اجنبی قصاص می‌شود اما والد قصاص نمی‌شود، زیرا صرف شراکت در عمل مجرمانه، دلیل بر اشتراک در حکم نبوده و هم نوعی در مجازات را اثبات نمی‌کند. بلکه در صورتی قصاص محقق است که اجنبی با قصد و اراده با توجه به علم به محقون الدم بودن مقتول اقدام به این عمل کرده باشد، بنابراین علت قصاص اجنبی قصد، اراده و تعمد در قتل است. اگرچه والد به دلیل خاص در مقابل پسر قصاص نمی‌شود، اما دیه بر والد با قاعده عدم هدر دم مسلمان ثابت است، بنابراین در صورت اجرای قصاص توسط ولی دم بر شریک، پدر قاتل باید نصف

دیه را بر ولی اجنبی پرداخت کند. (خویی، ۱۴۲۲: ۳۲/۴۲)

آیت الله مرعشی نجفی معتقد است: عدم قصاص پدر دلیل خاص دارد. دلیلی که شریک در قتل، حکم پدر مقتول را داشته باشد، موجود نیست، پس کلیت قصاص او را شامل می‌شود، فرق نمی‌کند، یک نفر یا چند نفر با پدر مقتول در قتل شریک باشند، اما دیه با توجه به تعدد شرکای در قتل به شمول پدر به ولی شریک در صورت قصاص یک نفر داده می‌شود، اگر ولی دم بخواهد همه شرکا یا چند تنی از شرکا را قصاص کند، باید دیه همه افراد به غیر از یک قاتل را پرداخت کند. (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ۹۰/۱)

۵-۲. دیدگاه اهل سنت

علمای اهل سنت نیز قایل به قصاص اجنبی می‌باشند، اگرچه والد مقتول با او در قتل شراکت داشته باشد. چون مشارکت اب با اجنبی، تغییر در صفت قتل عمد به وجود نمی‌آورد و حکم قتل عمد را نیز تغییر نمی‌دهد. (نووی، بی‌تا: ۳۶۷/۱۸) اما برخی عالمان غیر مشهور قایل به عدم قصاص شریک هستند، چون در قصاص تساوی شرط است، با شراکت پدر قاتل با اجنبی این تساوی ثابت نیست، در واقع قتل با یک عمل مشاع که قابل تفکیک نیست، انجام شده است، یعنی در جز و جزء این عمل هر دو شرکت هستند و این شراکت قابل تفکیک نیز نمی‌باشد.

۶. قاتل، پدر ولی دم

اگر قاتل کسی را مثلاً زوجه خود را به قتل رساند که فرزند قاتل ولی دم او باشد، آیا قاتل قصاص می‌شود؟ نظرات متعددی در اینجا وجود دارد، اما با توجه به کلیت و اطلاق دلایل عدم جواز قتل پدر توسط فرزند، مسئله مورد بحث را نیز پوشش می‌دهد. اینکه فرزند، مقتول یا ولی مقتول باشد، تفاوتی در حکم به وجود نمی‌آید، چون قصاص باید توسط فرزند یا با اذن او صورت بگیرد، مسئله احسان و ولایت پدر در این مورد بهتر تبلور می‌کند، اما عالمان در مسئله اختلاف دارند.

۱-۶. نظریه عدم جواز قصاص

بسیاری از علمای فریقین قایل به عدم جواز قصاص هستند: شیخ طوسی با پذیرش این نظریه معتقد است که به صورت مطلق والد توسط ولد قصاص نمی‌شود، فرق نمی‌کند ولد، وارث مقتول باشد یا نباشد، زیرا اگر قاتل، پدر و ولی دم، فرزند باشد، قصاص را به ارث نمی‌برد، پس قصاص نیز دلیل ندارد، چون دلیل حق قصاص توسط ولی دم، انتقال قصاص تحت عنوان ارث می‌باشد. (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۰/۷) شهید ثانی با مطرح کردن قیاس اولویت معتقد است: همانگونه که قصاص والد با قتل ولد، ثابت نمی‌شود، قصاص والد با قتل مورث ولد نیز ثابت نیست. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۵۹/۱۵) محقق خویی نظریه عدم قصاص را به مشهور نسبت داده است و برای تثبیت نظریه‌اش به روایات عدم جواز قصاص زوج در مقابل زوجه، اگر وارث، ولد زوجه باشد، تمسک کرده است. یعنی علاوه بر نظریه مشهور در عدم قصاص والد توسط ولد، نصوص نیز وجود دارد. (خویی، ۱۴۲۲: ۸۹/۲۴)

۲-۶. نظریه جواز قصاص

برخی از علما برخلاف مشهور، قصاص را برای قاتل اگر ولی دم، ولد قاتل باشد، ثابت می‌دانند، به نظر می‌رسد این نظریه را محقق حلی پذیرفته است، چون ایشان نظریه عدم اثبات قصاص را به قیل نسبت داده و فقط در مورد نص منحصر کرده است و حال اینکه حق قذف را منتفی می‌داند، یعنی اگر قذف برای ولد به ارث برسد نمی‌تواند پدر را مجازات کند. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۹۹/۴)

امام خمینی^{علیه السلام} بعد از نادرست خواندن نظریه قائلین به عدم جواز قصاص، معتقد است: نظریه صحیح جواز قصاص قاتل هست، هرچند ولی دم، ولد قاتل باشد. (خمینی، بی تا: ۵۲۲/۲)

البته این نظریه قابل پذیرش نیست، چون علاوه بر اینکه برخلاف اجماع می‌باشد، مخالف با عموم روایت نیز هست. محقق خویی نیز نسبت به نظریه صاحب شرایع می‌فرماید: «ومن الغریب أن المحقق مال هنا إلى ثبوت الاقتصاص» (خویی

همان ۱۴۲۲: ۲۴/ ۸۹) یعنی تمایل محقق به نظریه قصاص از موارد غریب و غیر قابل توجه است.

۷. تفاوت یا عدم تفاوت بین حد قتل و حد قذف

اگر پدر فرزندش را قذف کند، یا فرزند، وارث مقذوف باشد، نسبت به مسئله حد حکمش چیست؟ در صورت اول از دو حال خارج نیست: یا فرزند فوت کرده و یا زنده است، در صورتی که فرزند فوت کرده باشد به اتفاق بر پدر حد قذف جاری نمی‌شود و در صورت زنده بودن فرزند نیز به طریق اولی این حکم جاری است. برای روشن شدن مسئله به بیان نظرات علما می‌پردازیم.

۱-۷. دیدگاه شیعه

در بین علمای شیعه بدون تفاوت بین حیات یا فوت فرزند، اجماع بر عدم جواز اجرای حد قذف بر پدر توسط فرزند می‌باشد.

شیخ طوسی می‌فرماید: اگر وارث مقذوف، غیر از ولد خودش کسی نیست، حد قذف جاری نمی‌شود، زیرا حد قذف غلیظ و مهم‌تر از حد قتل نیست، در صورت عدم جواز اعمال حق قصاص، به طریق اولی فرزند حق اجرای حد قذف را نیز ندارد، این در صورتی است که قذف به صورتی مطلق، بدون تعیین فرد باشد، اما اگر قاذف مقذوف را به فرد معین قذف کند، مثلاً مادر فرزندش را بگوید تو با فلان شخص عمل نامشروع انجام داده‌ای و آن شخص می‌تواند حد قذف را که حق خودش است، جاری کند، اما وارث زن که فرزند قاذف است، حق اعمال حد قذف را ندارد. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷/۵) محقق خویی به دلیل روایات اعمال حد قذف پدر را توسط فرزند، بدون تفاوت بین دختر و پسر جایز نمی‌داند. (خویی، ۱۴۲۲: ۳۱۲/۲۱) دلیل این مسئله صحیحه محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام درباره مردی می‌باشد که فرزندش را قذف کرده است: «لو قتله ما قتل به وإن قذفه لم یجلد له» (عاملی ۱۹۶/۱۴۰۹: ۲۸) یعنی اگر پدر فرزندش را به قتل رساند قصاص نمی‌شود و اگر قذف کند حد ندارد.

امام خمینی علیه السلام نیز حد قذف را جاری ندانسته و قایل به تعزیر است و علت تعزیر را، حرمت قذف می‌داند نه قذف ولد. (خمینی، بی‌تا: ۴۰۷/۲) اما اگر ابن اب یا ام را قذف کند، به اتفاق حد جاری می‌شود، چنانچه اگر به قتل رسانده باشد مستحق قصاص است. (خویی، ۱۴۲۲: ۳۱۲/۲۱) در این مورد نیز به نظر می‌رسد حد قذف جاری نمی‌شود، چنانچه در قتل نیز نظریه مختار عدم جواز قصاص مادر بود.

۲-۷. دیدگاه اهل سنت

علمای اهل سنت در این مسئله اختلاف دارند:

۱-۲-۷. نظریه عدم جواز حد

اکثریت از علمای اهل سنت، مانند شافعی، ابوحنیفه، احمد و... قائل به عدم جواز حد قذف توسط فرزند هستند، بدون تفاوت بین قذف اصالتی و وراثتی. سرخسی با پذیرش این نظریه، دلیل عدم حد را، انتساب قذف به خود اب می‌داند، زیرا اب بر فرزند ولایت داشته و در واقع قذف به خودش برمی‌گردد، می‌شود جنایت بر نفس. (سرخسی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۳/۹) نووی شافعی با توجه به اینکه قایل به اجرای حد قذف بر مادر، خاله، و عمه هست، اجرای حد قذف را بر پدر جایز نمی‌داند. (نووی، بی‌تا: ۵۲/۲۰)

۲-۲-۷. نظریه جواز حد

برخی از دانشمندان اهل سنت مانند ابوحنیفه با توجه به اینکه حد قصاص را جاری نمی‌داند، حد قذف را حتی در صورت که وارث فرزند قاذف باشد، جاری می‌دانند، یعنی طرفداران این نظریه، تفاوت قایل شدند بین حد قذف و حد قتل. در قتل فرزند حق اجرای حد را ندارد، اما در قذف می‌تواند این حق را اعمال کند. برای تأیید این نظریه دو دلیل بیان شده است:

الف) قیاس پدر به اجنبی: اگر کسی اجنبی را قذف کند بدون ترید اجرای حد قذف مانع ندارد، در اعمال قذف توسط فرزند نیز همین حکم را دارد، مگر دلیل خاص وجود داشته باشد که منتفی است.

ب) عمومیت آیه: آیه ۵ سوره توبه «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ» عمومیت داشته شامل حد پدر نیز می‌شود. (سرخسی، ۱۴۱۴ق: ۳۹/۷) برخی از علما مانند ابن حزم دلیل اعمال حد قذف را حق الله بودن حد می‌دانند، یعنی حد قذف حق الناس نیست تا به جهت نسبت بین قاذف و وارث مقذوف، حد ساقط شود، بلکه حق الله است و در هیچ شرایطی کسی حق ندارد عفو کند، آنکه قابل عفو است، شخص می‌باشد نه حق الله. (نووی، بی‌تا: ۵۲/۲۰)

حق با نظریه اول است، چون دلایل قائلین به جواز قصاص مدعا را اثبات نمی‌کند. اولاً: قصاص پدر به اجنی قیاس مع الفارق بوده و بر مبنای قائلین به قصاص، چنین قیاسی فاقد اعتبار است. ثانیاً: عمومیت آیه توسط روایات تخصیص خورده است.

۳-۷. قوانین مجازات اسلامی

در ماده ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی ایران آمده است: «پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند، به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد» این ماده قانون بر گرفته از نظریه امام خمینی علیه السلام است، چون ایشان قایل به تعزیر قاذف پدر توسط فرزند است، علت تعزیر را مجازات قذف می‌داند نه تحقق حق فرزند. قانون مجازات اسلامی افغانستان در این مسئله ساکت بوده است و قانون گذار بر قذف پدر نسبت به پسر توجه نداشته است. البته سکوت قانون در این مورد، نقص قانون بوده و توجیه ناپذیر است، چون در فقه فریقین مفصلاً در این مورد این مورد بحث شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نظرات دانشمندان شیعه، اهل سنت و قوانین مجازات اسلامی به اثبات رسید است: اگر پدر قاتل باشد و این نسبت اثبات شود، حکم قصاص نبوده و در دیه اختلاف است، حق عدم قصاص و وجوب دیه می‌باشد، دلیل مسئله روایات و قاعده احسان است، اما عده از عالمان قایل به قصاص پدر می‌باشند، مستند این

نظریه اطلاق آیه قصاص و روایات بیان شده است. بطلان این نظریه روشن است، چون عمومات آیات توسط روایت که اکثریت شان صحیح می‌باشد، تخصیص زده شده است. مالک و پیروانش نظریه سوم را مطرح کرده‌اند و معتقدند: قتل فرزند توسط پدر از دو حالت خارج نیست، اگر پدر فرزندش را با شکنجه به قتل رساند، قصاص می‌شود و در غیر این صورت قصاص نمی‌شود. بطلان این نظریه نیز ثابت شد، چون اولاً دلیل بر مدعا وجود ندارد، ثانیاً نوع قتل تأثیرش به حدی نیست که محقون الدم را به مهدورالدم تبدیل کند. اگر پدر، قاتل فرزند نبوده بلکه قاتل کسی باشد که فرزند، وارث مقتول است، در اجرای حد قتل دو دیدگاه بیان شده است: مشهور قایل به عدم قصاص هستند، ولی عده‌ای مانند امام خمینی علیه السلام قاتل را موجب قصاص می‌دانند. ثابت شد که حق با نظریه اول است. در قتل فرزند توسط مادر اختلاف وجود دارد: نظریه مختار عدم وجوب قصاص مادر می‌باشد، قوانین مجازات در این مسئله ساکت هست، اگر قاتل فرزند مقتول پدر باشد، در قصاص فرزند اختلاف قابل توجه وجود ندارد، قانون مجازات افغانستان نیز مطابق با فقه اسلامی مجازاتش اعدام می‌داند. نسبت به شرکای پدر در قتل فرزند، حق قصاص شرکا است، به نظرات مخالف توجه نمی‌شود. اثبات شد که بین حد قتل و قذف تفاوت وجود ندارد، نظریه ابوحنیفه که قایل به تفاوت است، فاقد دلیل می‌باشد.

فهرست منابع

- قرآن

- نهج البلاغه

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ایران: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۲. ابن قدامة، أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد، (۱۳۸۸ق)، *المغنی*، القاهرة: مكتبة الاولى.
۳. ابن ماجة القزوينی، أبو عبدالله محمد بن یزید، (۱۴۳۰ق)، *سنن ابن ماجه*، دار إحياء الكتب العربية فیصل عیسی البابی الحلبي: الاولى.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، ایران: قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۵. امام مالک، مالک بن أنس، (۱۴۱۵ق)، *المدة*، بیروت: دار الكتب العلمية، الأولى.
۶. الترمذی، محمد بن عیسی، (۳۹۵ق)، *سنن الترمذی*، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، الثانية.
۷. حاجی دهآبادی، محمدعلی، حقانی، حسین، شریفی، نعمت الله (۱۳۹۹ق)، *قانون مجازات اسلامی افغانستان*، ایران: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، اول.
۸. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۴ق)، *تذکرة الفقهاء*، ایران: قم: مؤسسه آل البيت (ع)، اول.
۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ایران: قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
۱۰. خمینی، سیدروح الله، (۱۴۰۸ق)، *تحریر الوسيلة*، ایران: قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، اول.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۷ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، ایران: قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، اول.
۱۲. دارقطنی، شمس الحق، (۱۳۸۶ق)، *سنن الدارقطنی*، لبنان: بیروت: مؤسسه الرساله، الثاني.
۱۳. زارعی، محمدحسین، (۱۴۰۱ق)، *قانون مجازات اسلامی ایران*، تهران: دیدار دوران، اول.

۱۴. سرخسی، محمد بن أحمد بن أبی سهل شمس الأئمة، (بی تا)، المبسوط، بیروت: دار المعرفة، الثاني.
۱۵. شیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، (۱۴۱۶ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، القاهرة: دارالحديث، الأولى.
۱۶. صانعی، یوسف، (۱۳۸۶ق)، فقه الثقلین، ایران، قم: مؤسسه عروج، اول.
۱۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه ایران، قم: اول.
۱۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، ایران، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، سوم.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، ایران، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، اول.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ایران، قم: کتابفروشی داوری،
۲۱. کاسانی الحنفی، أبوبکر بن مسعود بن أحمد، (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دار الکتب العلمیة، الثانية.
۲۲. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، (۱۴۱۵ق)، منهاج المؤمنین، ایران، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، اول.
۲۳. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، لبنان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، هفتم.
۲۴. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، (بی تا)، المجموع شرح المهذب، بیروت: دارالفکر، الاولى.